

ریسک بازار و ابعاد آن

نوشته : آرش میرشمسی، کارشناس اداره مدیریت ریسک

ریسک بازار یا ارزش در معرض ریسک بازار را می توان به عنوان ضرر بالقوه پرتفوی معاملاتی بانک به واسطه تغییر در شرایط بازار شامل قیمت داراییها، نرخ سود، نقدپذیری و سایر نوسانات بازار تعریف کرد. ریسک بازار زمانی به وجود می آید که موسسه مالی فعالانه به خرید و فروش دارایی، بدهی و اوراق مشتقه مبادرت کند، نه آنکه اقلام مذکور را برای مقاصد سرمایه گذاری بلندمدت، تامین مالی و مصون سازی نگهداری کند. به عبارت دیگر، ریسک بازار به پرتفوی معاملاتی بانک مربوط است، نه به پرتفوی فعالیتهای بانکی. از دیدگاه نظری، پرتفوی معاملاتی یک موسسه مالی می تواند با معیارهای زمانی و نقدینگی از پرتفوی سرمایه گذاریش متمایز شود. پرتفوی معاملاتی (یا تجاری) شامل داراییها، بدهیها و قراردادهای مشتقه ایست که می تواند به سرعت در بازارهای سازمان یافته مورد خرید و فروش قرار گیرد، حال آن که پرتفوی سرمایه گذاری که در ادبیات بانکی، به آن دفتر بانکی نیز می گویند، شامل دارایی ها و بدهی هایی است که غیرنقد بوده و برای بیش از یک دوره نگهداری می شوند. هر چند تمام دارایی ها و بدهی ها در گذر زمان به فروش می رسند (یعنی تبدیل به وجه نقد می شوند)، اما مقررات بانکی، عموماً دارایی هایی را در پرتفوی معاملاتی لحاظ می کنند که برای دوره های کوتاهتر از یک سال نگهداری می شوند. همانطور که دفتر بانکی عمدتاً شامل تسهیلات، سپرده ها و سایر دارایی های غیرنقد است، دفتر معاملاتی نیز شامل وضعیت های مازاد (فزونی دارایی بر بدهی) یا کسری (فزونی بدهی بر دارایی) در ابزارهایی چون اوراق مشارکت، کالا، ارز، سهام و اوراق مشتقه است. جدول زیر تفکیکی فرضی از دارایی ها و بدهی های بانکی و معاملاتی را نمایش می دهد.

باید به این نکته توجه کرد که در برابر زیان های ناشی از فعالیت های بانکی و تجاری، سرمایه به عنوان ضربه گیر عمل می کند. در این راستا با توجه به این که ریسک بازار تأثیر قابل ملاحظه ای بر تداوم فعالیت بانکها دارد، از سال ۱۹۹۸ قانون گذاران، ریسک بازار را در تعیین سطح سرمایه مورد نیاز بانکها (کفایت سرمایه) لحاظ کرده اند.

اگر چه بر اساس توضیحات فوق می توان تا حدودی ریسک بازار را از سایر انواع ریسک تفکیک کرد، اما در دنیای واقعی ریسک بازار از ریسکهای اعتباری، عملیاتی و نقدینگی به طور کامل قابل تفکیک نیست. در یک تقسیم بندی کلی، می توان ریسک بازار را در پنج لایه زیر پیگیری کرد:

جایگاه و اهمیت ریسک بازار در فرایند مدیریت ریسک

از جمله دلایل اهمیت اندازه گیری و مدیریت ریسک بازار، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقررات: در تنظیم مقررات جاری و رهنمودهای کمیته بال، ریسک بازار در الزامات سرمایه، لحاظ شده است.

اطلاعات مدیریت: اندازه گیری ریسک بازار، اطلاعاتی درخصوص میزان منابع در معرض ریسک را که به واسطه معاملات تجاری موسسه مالی ایجاد شده است، فراهم می آورد. سپس مدیریت می تواند میزان منابع در معرض ریسک را با سرمایه موسسه مالی مقایسه کند.

تعیین حدود فعالیت: توجه به ریسک بازار پرتفوی معامله گران، می تواند منجر به تعیین حدود منطقی و اقتصادی برای هر معامله گر در حوزه فعالیت تجاری مربوطه شود.

تخصیص منابع: با اندازه گیری ریسک بازار می توان بازدهی حوزه های مختلف تجاری را با ریسک بازار متناظرشان مقایسه و از این طریق، حوزه هایی که بیشترین پتانسیل کسب بازده در هر واحد از ریسک را دارند، شناسایی کرد تا منابع بیشتر به آن حوزه ها هدایت شوند.

سنجش عملکرد: از آنجا که اندازه گیری ریسک بازار منجر به مشخص شدن رابطه ریسک و بازده معامله گران می شود، استقرار سیستم منطقی تر پاداش دهی را میسر می سازد.